

● عباس جلیلیان (ناکو)

جستاری در باب علل رکود ادبیات کردی

مقاله‌ی حاضر بخشی از جستاری است در باب (نه ده بیاتی کوردی له ناستی جیهانیدا) که به طور خلاصه به بررسی علل رکود ادبیات کردی می‌پردازد و نگاهی گذرا به چگونگی آثار ادبی کردی دارد. زبان کردی یکی از زبانهای کهن مشرق زمین است که از قدمت دیرینی برخوردار است. با این نگاه اجمالی به نوعیت ادبیات جهانی در می‌یابیم که زبان فرانسه زبان ادبیات کلاسیک است و زبان آلمانی زبان فلسفه و منطق و ادبیات آمریکای لاتین خالق رئالیسم جادویی است. در مشرق زمین که آنرا مهد تمدن می‌نامند زبان کردی رانیز می‌توان زبان آئینی دانست. زبانی که توانایی آن را داشته باشد دین را تبیین کند، بی‌شک از توانمندی خاص برخوردار است. در (گاتها) که من معتقدم (گازه) هاست و به غلط گاتها نوشته شده، که شامل نیایشها و دعاها، زرتشت پیغمبر است، به خوبی تأثیر واژگان کردی را در می‌یابیم و اکثر تعاریف با واژگان کردی بیان شده است و یا در کتیبه‌های سنگی و فرمانهای دولتی به خوبی خودنمایی می‌کند، در آثار بجا مانده از قرن سوم مصحف رش یا (مه‌سحه‌فهره‌ش) آیین یارسان و همچنین «که لام»، دستورات دینی و اخلاقی به زبان کردی بیان شده است و یا در همین اواخر یعنی سال ۱۹۲۶ به سفارش میسیونرهای خارجی، انجیل به زبان کردی ترجمه شده که با گویش کنونی کرمانشاه چندان مغایرتی ندارد و اصولاً تا زمانیکه زبان «گورانی» که زبان آئینی و ادبی کردی بود، ادبیات کردی نیز از توانمندی بسیار بالایی برخوردار بود و زبان گورانی زبان استاندارد کردها محسوب می‌شد و از شمال تا جنوب شاعران و نویسندگان و حتی مقامات آئینی با این زبان احکام و افکار خود را منتشر می‌کردند زیرا برای اکثر کردان قابل فهم و درک بود. با این حال در اثر گذشت زمان و سیاست‌های کینه توزانه‌ی دشمنان، زبان کردی اکنون در انزوای مشکوک به سر می‌برد. در بررسی علل رکود ادبیات کردی به مواردی بر می‌خوریم که شاید در ظاهر بی‌تأثیر باشد اما واقعیت این است که نمی‌توان از تأثیرات آن غافل شد:

الف) تعدد گویش (فراوانی زاراهه): یکی از عوامل رکود ادبیات در زبان کردی تعدد گویش و لهجه است، به گونه‌ی که در خاورمیانه هیچ ملتی به اندازه ملت کرد تعدد لهجه و گویش ندارد. با آنکه بسیاری معتقدند که این تعدد نشان از غنای فرهنگی کرد است، من بر این باورم که یکی از عوامل رکود

ادبیات کردی است و هیچ افتخاری ندارد که یک زبان این همه تنوع در گفتار داشته باشد. زمانی این افتخار جلوه پیدا می‌کند که در سایه یک زبان واحد و نوشتار واحد بتواند افتخارات خود را عرضه کند. متأسفانه هنوز یک نوع نوشتار در زبان کردی به تصویب نرسیده است به گونه‌یی که قسمتی از گردان با نگارش لاتین و قسم دیگر با نگارش آرامی (فارسی-عربی) می‌نویسند و تلاش برای زبان استاندارد یا (زووانی به کُگرتوو) نتوانسته به موفقیت‌های چشمگیری برسد، در حالیکه بیش از شصت درصد واژگان کردی از نظر تلفظ و معنی مشترک هستند. با این حال خود نویسندگان کرد دست به تقسیمات گوناگونی از نظر زبان‌شناسی زده‌اند که ضمن آنکه درست می‌باشد در عین حال باعث افتراق و جدایی شده است. در تقسیمات زبان‌شناسی، زبان کردی در سه محور اصلی دسته‌بندی شده که عبارت است از:

۱. باکوور (شمالی)

۲. باشور (جنوبی)

۳. روزه لات (کردی میانه)

که خود شامل بیست و دو نوع گویش می‌باشد و هر گویش نوع نگارش و تلفظ خاصی دارد.

ب) تعدد موطن (فره نیشتمانی): جغرافیای کردستان به علت پراکندگی موجود که خود ناشی از سیاست امپریالیستی قدرتهای حاکم در گذشته و سیاست انگلیس در نفوذ به مناطق کردنشین بود، در بین کشورهای همجوار تقسیم شد و این تقسیم‌بندی باعث دوری و گسستگی فرهنگی و تاریخی ملت کرد شد. «فره نیشتمانی» یکی دیگر از عوامل رکود ادبیات کردی است، بدین معنی که یک کرد می‌بایست چهار زبان رسمی نیز به تعداد گویش‌های خود بیافزاید و علاوه بر آن به عنوان شهروند درجه دوم نیز محسوب می‌شود و افتخارات تاریخی این ملت به نام عرب و ترک و... تمام می‌شود نه ملت کرد. اندیشمندان و دگراندیشان کرد به ناچار و تحت عنوان جهان شمولی اندیشیدن و پست مدرنیسم و... از زبان و فرهنگ خود دور شده‌اند.

«فره نیشتمانی» در نهایت باید به رشد و ارتقای ادبیات کمک کند نه نقصان و کمبود آن، زیرا در نتیجه برخورد مستقیم و تعامل فرهنگی ملتها از رشد کمی و کیفی بر خوردار می‌شوند اما در مورد گردان چنین اتفاقی هرگز روی نمی‌دهد، زیرا تفریس و تعریب و تتریک که یک ژینو ساید کامل فرهنگی و تاریخی است در خاورمیانه تنها در مورد گردان اعمال شده است و بس. در کشورهای چند ملیتی خاورمیانه حرکت به سمت اصول دموکراتیک و یا فدرالیسم به کندی صورت می‌گیرد زیرا بافت خاورمیانه یک بافت کاملاً سنتی است و تکیه بر اصول سنتی باعث اتحاد این جوامع شده است. نمونه‌های بسیاری را می‌توان به عنوان شاهد مثال ذکر کرد که باعث قوام و دوام حکومت‌ها و دولت‌ها شده‌اند و جالب اینکه ملت کرد در آن نقشی کاملاً چشمگیر داشته است، اما در زمینه‌ی ادبیات باعث پسرفت و انحراف شده است.

ب) تعدد ادیان: بی‌گمان دین و زبان دین بهترین گزینه برای رشد و شکوفایی ادبی و اخلاقی در میان مردمان است و از نظر نوعیت دیالکتیک و زبان تاثیر بسزایی در همگانی کردن ادبیات و زبان ملل دارد. این اتفاق فرخنده در میان گردان باعث نوعی سر در گمی و آسفتگی زبانی شده است، به گونه‌یی که در کردستان انواع ادیان و مذاهب وجود دارد که ادبیات و فلسفه‌ی خاص خود را دارند اسلام، مسیحیت،

یهودی و یارسان عمده‌ترین ادیان موجود در کردستان است که خود به زیر شاخه‌هایی تبدیل می‌شوند. اسلام که خود شامل شیعه و سنی است و تقسیمات خاص خود را دارد و یا یارسان به ایزدی و علوی و کاکه‌یی و گوران تقسیم می‌شود. البته اگر از دید یک خوش بین به مسأله بنگریم آن را تنوع می‌گوییم نه تضاد اما عملاً مراسمات جداگانه با زبان و دیالکت ویژه در صورت مسأله قرار می‌گیرد. من بر این باورم که تعدد زبان و دین و موطن سیاسی دهشتناک است که پدران ما را اسیر و برده‌ی خود ساخته و مشکلات آن گریبانگیر ما شده است. در جغرافیای خاورمیانه هرگز ملتی را پیدا نخواهید کرد که به اندازه‌ی ما (کردان) گویش و دین و موطن داشته باشد.

ت) کوچهای اجباری: بانگاهی گذرا به علل کوچهای عشایر می‌توان درک کرد که برای امرار معاش و گذرانیدن زندگی دست به کوچ می‌زنند. یا پرندگان برای مأمّن بهتر و غذای بیشتر به کوچ دسته‌جمعی رو می‌آورند، اما کوچ اجباری یا به تعبیری بهتر تبعید، صرفاً برای منزوی کردن است نه چیز دیگر. در تاریخ ملت کرد کوچهای اجباری نهایتاً به انفال یا اضمحلال و الیناسیون ختم می‌شود. کوچ بدرخانها از استامبول به مصر، کوچ زنگنه از کرکوک به مناطق کرمانشاه، کوچ مردم گرمیان به رمادی، کوچ مردم کلهر و زنگنه به خراسان و تهران، کوچ مردم کرمانج که در قفقاز روسیه می‌زیستند در زمان داریوش به (تیوراتای) یا ایلام کنونی که اکنون با لهجه‌ی لکی سخن می‌گویند، کوچ بختیارها از سوریه به چهارمحال و بختیاری در ایران، همه و همه باعث انزوا و در حاشیه قرار گرفتن ملت کرد است. یک مثل معروف در میان کردان است که می‌گوید: «سان له جیی خوی سه‌نگینه» گروه یا دسته یا عشیرتی که در محل اسکان خود دارای فرهنگ و زبان خاص خود می‌باشد، می‌تواند در همان محل با استفاده از ابزار و مکانیزم موجود به نشر و ارتقای فرهنگ خود بپردازد، در صورتی که اگر از مکان خود خارج شود تا به شرایط جدید وفق پیدا کند و تاثیرات محیطی و محاطی را تجربه کند و تازه اگر جان سالم به در ببرد و دچار الیناسیون نشده باشد، به فکر رشد و تعالی ادبیات یا آیین خود می‌افتد و این همان اپیدمی‌ی است که اکثریت کردان به آن دچار شده‌اند.

د) احزاب سیاسی: نمی‌خواهیم وارد چگونگی تشکیل یک حزب یا طرز تفکر آنها شویم، هر چند که چندان هم با موضوع جستار ما بی‌ربط نیست. اما به علل مختلف از آن صرف‌نظر می‌کنیم. به هر حال یک تشکل یا حزب در شرایطی بوجود می‌آید که روشنفکران یا نخبه‌گان ضعف‌هایی را در جامعه احساس می‌کنند و برای تبدیل ناهنجار به هنجار وارد معرکه می‌شوند. تقریباً بیشتر احزاب کردی از یک متد مشخص پیروی می‌کنند و آن سخن از حق و حقوق و آزادی بیان و گفتار به زبان مادری است. یک ایراد اساسی که کمابیش در میان احزاب سیاسی کرد وجود دارد آن است که هیچگاه دیدگاههای سیاسی آنها نتوانست در خارج از مرزهای کرد، در میان ملل ترک و عرب و فارس جای پای خود را باز کند و نوعی سنت‌گرایی و ناسیونالیزم ابتدایی و با کمی هم بدبینی شونیسیم، در میان احزاب سیاسی کرد دیده می‌شود. با این حال این خصوصیت تمام احزاب سیاسی کردی نیست، بایستی دید چرا به این سمت رهنمون می‌شوند.

احزاب سیاسی با پرداختن به مسایل ملی و زبانی و پرورش روشنفکر و نویسنده و شاعر و ... خدماتی را به زبان و فرهنگ کرد کرده‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از شاعران نامدار و نویسندگان و محققین بزرگ

کرد گرایش‌های سیاسی نیز داشته‌اند. البته این تنها مختص ملت کرد نیست. تقریباً تمام احزاب سیاسی دنیا از چنین ویژگی برخوردارند. به طور مثال «هیمن» و «هه ژار» محصول تفکر انقلاب «پیشوا» قاضی بودند و یا «شیرکوبی که س»، «له تیف هه لمهت»، «به ختیار عه لی»، «شیرزاده سه ن»، «ره فیک ساییر» و... همگی طعم آوارگی و کمبود و... چشیده‌اند و در سایه‌ی تفکری انقلابی پرورش یافته‌اند. در دنیای امروزی حزب یا تشکل و یا هر آنچه باعث گردهمایی روشنفکران و دگراندیشان جامعه شود، در صورتی می‌تواند محصولات خود را (نویسنده، شاعر، محقق) به جامعه عرضه کند که فضای باز سیاسی در اختیار داشته باشد اما به جز کردستان عراق که از فضای بازی نسبت به دیگران برخوردار است، سایر کردستان‌ها چنین فضایی در اختیار ندارند و شاید یکی از عوامل رشد ادبیات در کردستان عراق همین امر باشد. تعدد روزنامه و هفته نامه و ماهنامه و کتاب در چنین فضایی هم از نظر کمی و هم کیفی قابل تأمل است، به گونه‌ای که امروزه اکثر کتابهای چاپ شده در کردستان عراق، شامل کارهای ترجمه است و کسی نمی‌تواند تأثیر ترجمه‌ی ادبیات ملل را در ارتقای ادبیات بومی منکر شود.

ج) اقتصاد (ثابور):

مسأله‌ی اقتصاد، مسأله‌ای حیاتی برای هر ملتی است و در سایه‌ی اقتصاد، می‌تواند فرهنگ و تاریخ و... خود را صادر کرد. متأسفانه اقتصاد و مکانیزم اقتصادی در مناطق کردنشین باعث دردهای بسیاری شده است و اساساً یکی از علل جدایی کردستان، وجود مکانیزمها و عناصر اقتصادی بود که استعمارگران را تحریک به پیاده کردن مقاصد شوم خود-همان تقسیم کردن خاک کردستان - کرد. موقعیت جغرافیایی کردستان از نظر منابع آبی، زمینی و وجود معادن و ذخایر فسیلی هر قدرت استعماری را وسوسه می‌کند و بهترین راه نفوذ در تقسیم کردن خاک کردستان، دامن زدن به افکار پوپولیستی و خراف پرستی بود. اما منظور ما زبان اقتصادی است نه مکانیزم بهره‌برداری اقتصادی. اصطلاحات و لغات اقتصادی دنیا خود باعث تعبیر و تفسیر فرهنگی است که از آنجا برخاسته است. تبلیغات که برنده‌ترین سلاح امروزی است در دست تواناترین کشورها از نظر اقتصادی قرار دارد. زیرا زبان اقتصادی مناسبی را پی‌ریزی کرده‌اند. ملت کرد هنوز نتوانسته کالاهای خود را با زبان اقتصادی خود عرضه کند و یا خود را مجاب کند که می‌تواند به زبان مادری خود مبلغ کالای خود باشد.

ج) رسانه‌های گروهی (ده زگای راگه یاندن):

به طور کلی می‌توان ادعا کرد که تمام موارد فوق را می‌شود تعمیم و تعمیر کرد اگر از دستگاهها و بنگاههای تبلیغی و رسانه‌ای استفاده‌ی صحیح بشود. امروزه به لطف ماهواره (که اکثریت از آن بی‌بهره‌اند) شبکه‌های تصویری متعددی در حال پخش و توزیع محصولات خود هستند؛ خواه این محصول فکری باشند یا هنری که در بالابردن سطح کمی و کیفی مردم تأثیر بسزائی دارد. کردها به لطف شبکه‌های خود «کورد سه ت. کوردستان تی وی» «روژ تی وی» «روژه لات تی فی» «زاگروس» و... علاوه بر تبیین و تفسیر دیدگاههای حزبی خود، به معرفی بخشی از تاریخ و تمدن و ادبیات کرد در سطح جهانی می‌پردازند اما به نظر می‌رسد که در ابتکار موفقیت‌چندانی به دست نیاورده‌اند زیرا اکثر برنامه‌ها جنبه هنری دارند که با اخلاقیات و منش کردان چندان سازگار نیست و نیاز به زمان بیشتری دارد.